

خبرنگاری که نویسنده شدند

از روزنامه‌نگاری به داستان‌نویسی

سایه سنگین فلسفه



شاید مشخص کردن مرز فعالیت ادبی و رسانه‌ای برای سارتر و سایرین مانند او کار راحتی نباشد. بسیاری برای معرفی او بعد فیلسوف و نظریه‌پرداز بودن او وارد می‌شوند و او را یک فیلسوف معرفی می‌کنند و برخی از زاویه نویسنده بودنش وارد جهان شخصیتی او می‌شوند و او را یک نویسنده می‌نامند. اما آنچه روشن است این که او به‌عنوان یک روزنامه‌نگار در سال‌های میانی قرن بیستم فعالیت می‌کرده و حضور پیگیری در رسانه‌ها داشته‌است. هرچند روزنامه‌نگار بودن او در سایه آثاری مانند «هستی و نیستی» و «تهوع» قرار بگیرد. این نویسنده و فیلسوف که حاضر نشد جایزه نوبل را قبول کند و خواست نامش را در فهرست دریافت‌کنندگان این جایزه قرار ندهند یکی از کسانی است که می‌توان به‌عنوان روزنامه‌نگار معرفی کرد.

مصطفی و توفیقا
روزنامه‌نگار

۱۰ هفده مرداد در تقویم کشور ما روز خبرنگار نامگذاری شده که علت این نامگذاری نیز شهادت شهید محمود صامی است. روزی که در آن همه به صداقت قلم خبرنگاران تأکید و این نکته را به آنها یادآوری می‌کنند. روز خبرنگار از آن اتفاقاتی است که برای بسیاری در تقویم مایه تعجب است، زیرا اگر قرار بر تکریم اقشار مختلف باشد باید دیگران نیز روزی را در تقویم داشته باشند، اما احتمالاً ابزاری که اهالی رسانه در اختیار دارند سبب شده این‌گونه در کانون توجه قرار بگیرند. به هر صورت این روز موقعیتی است که بار دیگر به اصول فعالیت حرفه‌ای خبرنگاران رجوع شود و درباره آن گفت‌وگو صورت گیرد. فعالیتی که اهدافی بر آن مترتب است و جامعه می‌تواند از این گروه مطالبه کند.

یکی از فعالیت‌هایی که خبرنگاران به آن دست می‌زنند ورود به عرصه ادبیات است. خلق داستان‌ها و قصه‌هایی مبتنی بر مشاهدات و تجربه‌های حرفه خبرنگاری یکی از اتفاقاتی است که از سوی خبرنگاران در جهان مرسوم است و نمونه‌های بسیاری را می‌توان در این زمینه می‌توان نام برد. به این بهانه سراغ چند داستان‌نویس مطرح رفته‌ایم که از عالم خبرنگاری پا به عرصه داستان‌نویسی گذاشته‌اند.

راوی جنگ



۱۸ سالگی سنی است که «هم» به عنوان گزارشگر گاهنامه محلی فعالیت خود را به‌عنوان یک اهل قلم آغاز می‌کند. با اعزام به جبهه‌های جنگ جهانی اول و فعالیت به عنوان راننده آمبولانس صلیب سرخ مشاهده می‌کند و تجربیاتی می‌اندوزد و البته در بازگشت مانند یک قهرمان از او استقبال می‌شود. او پس از بازگشت برای یک نشریه در پاریس قلم می‌زند و از همان زمان به صورت جدی به نوشتن داستان فکر می‌کند. در واقع جنگ و فعالیت روزنامه‌نگاری سبب می‌شود همین‌گوی دست به قلم شود. او خود نیز در مصاحبه‌ای تأکید کرده بود که جنگ محمل مناسبی برای کسب تجربه است. او سال‌ها در جبهه‌های مختلف شرکت کرده و به‌عنوان گزارشگر رسانه‌ها مطالبی برای آنها نوشته‌است. البته برای ارنست میلر همین‌گوی می‌توان به‌صورت مشخص بیان کرد که نوشتن در روزنامه‌ها و نشریات را پیش از نوشتن داستان آغاز کرده و در واقع او از عالم رسانه پا به عالم داستان گذاشته‌است.

روایت ظلم



احتمالاً بزرگ‌ترهای ما بیشتر از ما نام ماکسیم گورکی را شنیده باشند. از آنجا که خواندن رمان «مادر» این نویسنده روسی در سال‌های پیش از انقلاب امری ممنوع بود و اگر کسی را با این رمان بازداشت می‌کردند به‌عنوان یک ابزار جرم تلقی می‌شد و می‌توانست برایش دردسر درست کند. گورکی هم از جمله نویسندگانی است که فعالیت جدی خود را از نوشتن در روزنامه‌ها آغاز کرد هرچند مشاغل مختلفی را در زمان تسلط تزارها بر روسیه تجربه کرده بود، ولی نوشتن در روزنامه‌های محلی آن هم با نام مستعار فعالیت است که گورکی در سال‌های جوانی تجربه کرده بود و همان نیز زمینه ورودش به عرصه ادبیات می‌شود. مقالات او با نام مستعار که در تفلیس منتشر می‌شد حاوی خشمی خروشان از ظلم جاری در لایه‌های اجتماعی بود که بعدها در داستان‌هایش نیز با پرداخت بهتری شاهد آنها هستیم.

از فوتبال تا نوبل



شاید روزی اگر قرار باشد درباره فوتبالیست‌هایی که نویسنده شده‌اند حرف بزنیم بتوان به راحتی نام آلبر کامو را در ابتدای آن فهرست قرار داد. وی را باید یکی از شیفتگان فوتبال معرفی کرد. او زمانی که در دانشگاه مشغول تحصیل بود در پست دروازه‌بانی تیم دانشگاه بازی می‌کرد و موفقیت‌هایی را نیز کسب کرده بود، اما به‌خاطر ابتلا به بیماری سل مجبور شد فوتبال را کنار بگذارد و آن را از روی سکوها تماشاگران دنبال کند. شاید اگر کامو سل نمی‌گرفت مسیر زندگی‌اش تغییر می‌کرد و به جای این که نامش را کنار اهالی قلم قرار دهیم نامش را کنار چهره‌های درخشان فوتبال جهان در دهه‌های میانی قرن بیستم می‌دیدیم. اما به هر صورت بیماری مسیر زندگی کامو را تغییر داد و او پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و مقداری چرخ زدن در فضای گروه‌های سیاسی که در آن زمان عضویت در آنها مرسوم بوده وارد روزنامه «خلق‌الجزایر» می‌شود و نوشتن برای آن را آغاز می‌کند. از این زمان حضورش در تحریریه‌های مختلف آغاز می‌شود و در هر دوره‌ای برای یک آرمان قلم می‌زند و می‌نویسد. اما از اواسط فعالیت خبرنگاری و روزنامه‌نگاری دست به خلق آثار نمایشی و داستانی می‌زند. او با آغاز جنگ جهانی دوم در روزنامه‌ای فعالیت خود را آغاز می‌کند و علیه جنبش نازی‌ها مطلب می‌نویسد. فعالیت در روزنامه‌های زیرزمینی و... تنها گوشه‌ای از فعالیت این نویسنده برنده جایزه نوبل است.

گزارشگر شهر



اگر بشنویم که خالق رمان‌های مشهوری همچون «داستان دو شهر» و «الیور توئیست» علاقه‌ای به نوشتن نداشته و دنبال پیشه دیگری بوده باورمان نشود، ولی باید بگوییم که این سخن حقیقت دارد و روزنامه‌نویسی باعث شد تا دیکنز پا به عرصه ادبیات و داستان بگذارد. او پس از پایان دوره مدرسه در یک دفتر وکالت مشغول به کار شد. دیکنز مایل بود هنرپیشه شود، اما در روزی که قرار بود برای آزمون هنرپیشگی برود، دچار سرماخوردگی شدیدی شد و این فرصت را از دست داد. پس از بررسی زندگی شلوغ و متنوع لندن، بر آن شد تا روزنامه‌نگار شود. در این دوره، در شیوه‌ای سخت از خلاصه‌نویسی، توانایی خود را نشان داد و در مارس ۱۸۳۲ در حالی که جوانی حدوداً ۲۰ ساله بود، خبرنگار امور عمومی و پارلمانی شد. او سعی می‌کرد با گردش در حاشیه‌های شهر و حضور در نشست‌های سیاسی تصویری از زندگی اجتماعی در حال شکل‌گیری لندن را به تصویر بکشد و با طرح‌واره‌هایی این تصاویر را ثبت کند. این نویسنده یکی از آن نوع نویسندگانی است که از عالم روزنامه‌نگاری وارد دنیای خیال‌انگیز ادبیات شده‌است.